



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

[doi http://dx.doi.org/10.22067/PG.2022.74100.1119](http://dx.doi.org/10.22067/PG.2022.74100.1119)

مقاله پژوهشی

تبیین الگوی رأی همسایگی و طایفه‌ای در انتخابات مجلس شورای اسلامی (مطالعه موردی: یازدهمین دوره حوزه انتخابیه کهگیلویه، چرام، بهمئی و لنده)

یوسف انصاری (دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران)

ansariyousef96@gmail.com

حجت مهکویی (گروه جغرافیا، واحد نجف‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف‌آباد، ایران، نویسنده مسئول)

hojat_59_m@yahoo.com

علی شمس‌الدینی (دانشیار گروه شهرسازی، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران)

ali.shamsoddini@yahoo.com

سیروس احمدی نوحدانی (استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران)

sahmadi@modares.ac.ir

صص ۶۹-۴۷

چکیده

تأثیر همسایگی و طایفه‌گرایی از جمله جستارهای جغرافیای انتخابات است که پیامد عوامل و زمینه‌های جغرافیایی را در رفتار رأی‌دهندگان بررسی می‌کند و بر این گمان است که ساکنان یک محدوده سکونت‌گاهی عموماً همانند یکدیگر بر اساس ویژگی و شناسه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی‌شان، به فرد و یا جریانی که با آن احساس همانندی می‌نمایند رأی می‌دهند. این مقوله در انتخابات مجلس شورای اسلامی استان کهگیلویه و بویراحمد و به تبع آن حوزه انتخابیه مورد مطالعه نمود آشکاری دارد. به‌نحوی که با برگزاری چندین دوره انتخابات در این فضای جغرافیایی همواره همسایگی و به‌ویژه بعد طایفه‌محوری آن تأثیر شگرفی بر نتایج انتخابات داشته است. سؤال مقاله حاضر این است که همسایگی چه تأثیری بر انتخابات دور یازدهم حوزه انتخابیه کهگیلویه، چرام، بهمئی و لنده داشته است؟ بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای و یافته‌های میدانی (مشاهده و مصاحبه) در حوزه انتخابی مذکور، بین تأثیر همسایگی و طایفه‌گرایی با میزان رأی‌آوری کاندیداها رابطه مستقیمی وجود دارد به‌طوری که طبق داده‌ها و اطلاعات آماری که سبد رأی نامزدها را تشکیل می‌دهد، عمده رأی‌کاندیدا در قلمرو ایلی و همسایگی آن‌ها است. روش پژوهش کنونی، توصیفی-تحلیلی است و روش گردآوری اطلاعات، اسنادی و میدانی می‌باشد که برای تحلیل آن از نرم‌افزارهای GIS و EXCEL استفاده شده است.

بر پایه یافته‌های پژوهش این نتیجه حاصل شد که متغیر همسایگی و گرایش‌های طایفه‌ای در انتخابات حوزه انتخابیه مذکور آشکار و تأثیرگذار بوده و هرکدام از شهرستان‌های این حوزه انتخابیه به تناسب میزان جمعیتی که دارند، از فاکتور همسایگی و زادگاهی بهره برده‌اند، به نحوی که شهرستان‌های پرجمعیت (کهگیلویه و بهمئی) از بیشترین و شهرستان‌های کم جمعیت (لنده و چرام) از کمترین میزان همسایگی و طایفه‌ای در حمایت از کاندیدای قلمرو خود استفاده کرده‌اند.

واژگان کلیدی: جغرافیای انتخابات، تأثیر همسایگی، الگوی توزیع فضایی آراء، طایفه‌محوری و انتخابات مجلس شورای اسلامی

۱- مقدمه

انسان‌ها ذاتاً اجتماعی هستند. این زیست اجتماعی، آن‌ها را به ایجاد هنجارها و قواعدی وا می‌دارد که ماندگاری و امنیت جمعی آن‌ها را پایدار می‌کند. عملیاتی‌سازی چنین قواعد و هنجارهایی به خلق سازمان‌ها و واحدهایی توانمند نیاز دارد که قادر باشند مقررات نوشته یا نانوشته را در حل تنگناها و تضادهای جامعه اعمال و اجرا کنند. عموماً از چنین واحدهایی با عناوین مختلف نظام حکومتی، فرمانروا و حاکمیت یاد می‌شود. مطالعه و بررسی کارکرد این واحدها در قلمرو مفهومی سیاست قرار می‌گیرد. محوریت جستار سیاست، قدرت است. در سیاست عمدتاً آن بُعد از قدرت تجلی بیشتری دارد که درگیر حاکمیت و هیئت حاکمه است. منشأ بسیاری از رفتارهای انسانی که به تضاد، خشونت، تنش، پیکار و گاه همکاری و همگرایی انجامیده است، تعارض یا سازگاری منافع یا تمایل به در اختیار داشتن ابزارهای اعمال قدرت بوده است. از آنجاکه ابزارها و منابع قدرت به‌طور ناهمسان و نابرابر در عرصه فضا پراکنده هستند، برخی قلمروها و مکان‌های جغرافیایی قابلیت‌ها و جذابیت‌های خاصی دارند. از این رو، وزن مکانی و نقش آن‌ها در مناسبات قدرت در گستره فروملی، ملی و فراملی متفاوت است. در واقع، وزن مکانی و نقش آن تابعی از فرصت‌ها و محدودیت‌هایی است که برای گروه‌های انسانی ایجاد می‌کند. چنین ویژگی‌هایی در پندار و کردار انسان‌ها تأثیر می‌گذارد و به الگوی رفتاری آن‌ها جهت و معنا می‌دهد. رفتار گروهی، بیان‌کننده تمایل سیاسی گروه انسانی است که در مقیاس‌های مختلف به صورت مستقیم یا نیابتی اعمال می‌شود. گروه‌های متشکل انسانی در مکان و فضای جغرافیایی و در هر مقیاسی (از محلی تا جهانی) غالباً به صورت نیابتی رفتار سیاسی خود را اعمال می‌کنند. آن‌ها نهادها و افرادی را به نمایندگی از خویش در قالب شورا، هیئت مدیره، نماینده، رئیس جمهور، حکومت، مجمع و غیره برمی‌گزینند تا تدابیر عملی مناسبی برای امنیت و ماندگار گروه و تأمین منافع آن اتخاذ کنند و به اجرا گذارند. بدین سان انسان، انسان‌ها چه به صورت فردی و چه به صورت گروهی به عاملان (کارگزار) تبدیل می‌شوند که برای بقا و تضمین امنیت و تأمین منافع خود و گروه به بازیگری می‌پردازند (Kaviani Rad, 2013:21). مفهوم همسایگی ترکیبی از دو واژه «هم» و «سایه» است. هم در اینجا به معنای مثل، مانند و تشابه است و سایه یعنی پناه، حمایت، توجه، عنایت، اثر و تأثیر است. جملگی یعنی گروهی از افراد که خواه به‌طور تصادفی و خواه به‌طور عمدی در یک فضای جغرافیایی گرد هم آمده‌اند و از آنجاکه در اکثر مؤلفه‌ها با همدیگر مشترکاتی

دارند آگاهانه همدیگر را مورد توجه و لطف قرار می‌دهند و به‌مرور زمان سنت، علائق و منافع مشترکی برای خود می‌پندارند و برای حصول به اهداف مشترک تلاش و کوشش می‌کنند. تأثیر همسایگی^۱ از جمله مفاهیمی است که با واژگانی همچون ارزش، تصمیم، رفتار، کنش، تأثیرپذیری و تأثیرگذاری مکان، محیط، زادگاه، مناسبات اجتماعی، گروه اجتماعی، حس مکان، خویشاوندگرایی، طایفه‌محوری و غیره در ارتباط است که عموماً ناظر بر مؤلفه‌های مؤثر در رأی‌گیری و رأی‌دهی جغرافیای انتخابات است (Kaviani Rad, 2013:72). اثر همسایگی یکی از متغیرهای محیطی است که تمایل فرد به رأی‌دادن در یک جهت خاص بر اساس پیامدهای روابط فردی که در همسایگی زندگی می‌کنند را توضیح می‌دهد. این نوع الگوی رأی‌دهی، یکی از پرکاربردترین الگوهای رأی است که به بررسی تأثیر «دوستان و همسایگان» در الگوی آراء می‌انجامد و نشان می‌دهد تمایل مردم به رأی‌دادن به نامزدهای محلی بیشتر است (Kaviani Rad & Qare, 2017:154). در پژوهش‌های الگوی رأی‌گیری، مفهوم اثر همسایگی تاریخ دیرپایی دارد و نخستین بار با آثار تینگستن^۲ (۱۹۳۷) و مطالعات اورلاندو کی^۳ (۱۹۴۹) بازمی‌گردد و بعدها در اثر کوین کاکس^۴ با نام «تصمیم رأی‌دهی در یک بافت فضایی» نمود بیشتری یافت و توسط رونالد جانستون^۵ در کتاب جغرافیای سیاسی (۱۹۷۹) و پیترو تایلور^۶ و جی گودین^۷ در کتاب «جغرافیای انتخابات» (۱۹۷۹) فراگیر شد. در آن زمان کوشش بر این بود که با بهره‌گیری از مدل‌سازی ریاضی و همبستگی آماری میان الگوهای رأی‌گیری و داده‌های فضایی رابطه برقرار کنند. بر این بنیاد، امکان مطالعه داده‌های کمی و درک اینکه چگونه مردم در محدوده‌های فضایی کوچک زیست می‌کنند، کار می‌کنند و می‌اندیشند، به یک هدف اصلی در پژوهش‌های علمی تبدیل شد. اثر پژوهشی ولادیمیر کی در سال ۱۳۴۹ به نام «سیاست جنوبی در دولت و ملت» که بر سیاست در مناطق جنوبی ایالات متحده تمرکز داشت از جمله بهترین پژوهش‌هایی است که به واکاوی پیامدهای عوامل جغرافیایی و موقعیتی بر رأی‌دهی می‌پردازد. وی بر این باور است که نبود گروه‌های سیاسی یکپارچه برای پیروزی در انتخابات، پدیده‌هایی را به وجود می‌آورد که بر بنیاد آن، رأی‌دهندگان تصمیم می‌گیرند به گونه متفاوت با رویه‌های معمول خود رأی دهند، چراکه دیگر قادر به تطابق رفتار و علائق خود با پسندهای احزاب رقیب نیستند. در این حالت، تصمیم‌گیری‌های انتخاباتی رأی‌دهندگان، به شدت متأثر از موقعیت مکانی و محل سکونت فرد رأی‌دهنده نسبت به نامزدهاست، وضعیتی که ولادیمیر اورلاندو کی، از آن به نام تأثیر دوستان و همسایگان یاد می‌کند. بر این اساس، «انتظار می‌رود که هر یک از رقبا در انتخابات به‌ویژه در بخش محلی و زادگاه خود از آراء بیشتری بهره‌مند شوند» (Kaviani Rad & Qare, 2017:155).

1. Neighborhood effect
2. Tingsten
3. Vladimir Orlando key
4. Kevin cox
5. Ronald Johnston
6. Peter Taylor
7. Jey Godin

۲- چارچوب نظری تحقیق

۲-۱- حس و تعلق مکان

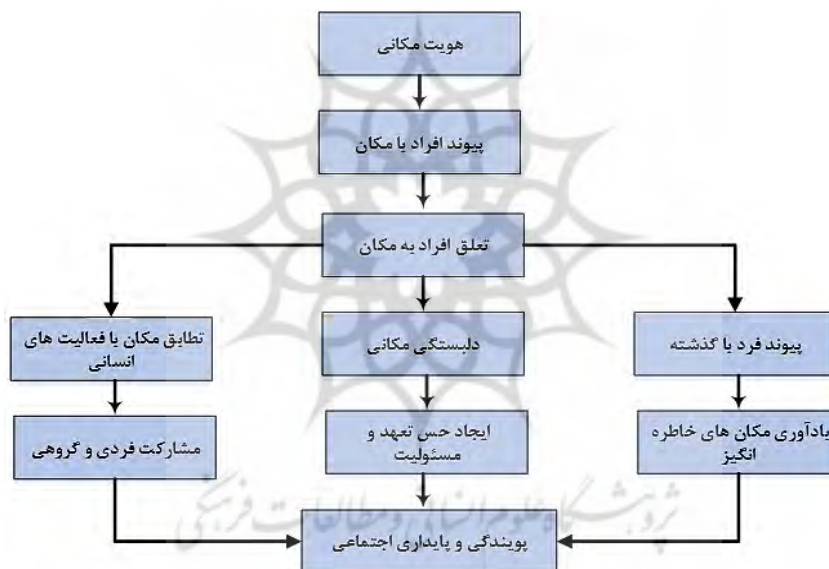
یکی از معانی و مفاهیم مرتبط با انسان و محیط، حس و تعلق مکانی است (Javanforuzandeh & Motalebi, 2011). حس مکان نوعی ابراز وجود و احساس تشخص در قالب مفاهیم محیطی است. در جغرافیا اثرپذیری رأی‌دهندگان از وضعیت محلی ارتباط نزدیکی با حس مکان دارد (Kaviani Rad, 2013: 64). حس مکان^۱، عاملی است که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری ویژه برای افراد خاص می‌گردد (Sarmast & Motevasli, 2010). در واقع، حس مکان، احساس وابستگی انسان نسبت به مکانی است که در آن زندگی می‌کند (Badiei Azandahi, 133: 164). حس مکان بیشتر ماهیتی پنداری دارد تا این که ساختی مشخص و ناظر بر مناسبات پیچیده انسان - محیط داشته باشد (Kaviani Rad, 2013: 64). از مهم‌ترین اثرات مکان بر افراد، تعلق مکانی است که با حس مکان پیوند نزدیکی دارد. تعلق مکانی از لحاظ فرهنگی، منعکس‌کننده مؤلفه‌های اصلی حیات اجتماعی و فرهنگی است. علی‌رغم تنوع زیاد مقیاس مکان‌هایی که ممکن است مردم احساس تعلق بیشتری نسبت به آن‌ها داشته باشند، بیشترین مطالعات صورت گرفته در این زمینه، مربوط به مقیاس «واحد همسایگی» است (Sarmast & Motevasli, 2010: 133). دل‌بستگی به مکان رابطه عاطفی فرد با مکان است که ریشه در خصوصیات و تجارب گذشته فرد دارد و بر اساس تعامل شناختی، عاطفی و عملکردی بین افراد، گروه‌ها و مکان کالبدی اجتماعی در طی زمان شکل می‌گیرد (Sadeghi- 254: 254). تعلق مکان که بر پایه حس مکان پدید می‌آید امری فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان است. این حس به پیوند فرد با مکان می‌انجامد و در آن انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و بر اساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها و عملکردها نقشی برای مکان در ذهن خود متصور می‌شود و مکان برای او قابل احترام خواهد بود (Hafeznia & Kaviyanirad, 2014: 210). از منظر جغرافیایی سیاسی، مشارکت به‌عنوان کنشی هدفمند و آگاهانه برآیند حس و تعلق مکانی فرد و اجتماع نسبت به مکان یا فضایی است که در آن زیست می‌کند و افراد هویت مکانی خود را بر اساس همین حس و تعلق مکانی تعریف عملیاتی می‌کنند (Kaviani Rad & Qare Beigi, 2017: 148).

۲-۲- هویت مکان

هویت^۲، ویژگی‌هایی است که فرد برای خود برمی‌گزیند و خود را با آن می‌شناسد. به دیگر سخن، پاسخی است به سؤال «من کیستم؟». هویت، تشخص و آگاهی از خود در قبال دیگری است و موجب شناسایی و تمایز فرد از دیگری می‌شود (Mirsardo & et al., 2008: 81). هویت را می‌توان به معنایی که انسان‌ها از طریق احساسات ذهنی از وجود هر روزه خود به ارتباطات گسترده اجتماعی کسب می‌کنند، تعریف نمود. این وجود و ارتباطات نیازمند مکانی برای

1. Sense of place
2. Identity

شکل‌گیری است. جای یا مکان کلیدی‌ترین مفهوم علم جغرافیا و هویت، تجلی فرهنگ در مکان است. ابعاد و سویه‌های گوناگون و متکثر ای دارد و آن باید از این مقوله که مرتبط با جواب انتخابات است، هویت مکانی می‌باشد. هویت مکان^۱ از ارزش‌های فردی و جمعی نشأت می‌گیرد و با گذر زمان عمق، گسترش و تغییر می‌یابد. این هویت، بازتابی از تجربه مستقیم محیط کالبدی و معنایی کسانی است که طی تاریخ زیست اجتماع به منش آن‌ها جهت داده و زمینه حس تعلق و زیست ماندگار آن‌ها را فراهم کرده است. تعهد و مسئولیت برخاسته از هویت مکانی زمینه پویندگی و پایداری اجتماعی را فراهم می‌کند (Hafeznia & Kaviyanirad, 2014 : 210)؛ به بیان گویاتر، هویت مکانی، احساسی در یک فرد یا جمع است که به واسطه ارتباط با یک مکانی برانگیخته و زمینه را برای تکوین محلی محوری و دفاع از محدوده زیستی و سکونتگاهی فراهم می‌کند. درواقع، هویت مکانی بنیاد خلق پدیده همسایگی و گرایش‌ها زادگاهی و طایفه‌ای است. تأثیر هویت مکانی بر پویندگی و پایداری اجتماعی در مدل شماره ۱ نشان داده شده است.



مدل ۱. تأثیر هویت مکانی بر پویندگی و پایداری اجتماعی

(Kaviani Rad & Qare Beigi, 2017: 147)

۲-۳- جستار همسایگی و گرایش‌ها زادگاهی و طایفه‌ای

تأثیر همسایگی^۲ از نمونه مفاهیمی است که با واژگانی همچون ارزش، تصمیم، رفتار، کنش، تأثیرپذیری و تأثیرگذاری مکان، محیط، زادگاه، مناسبات اجتماعی، گروه اجتماعی، حس مکان، خویشاوند گرایی، طایفه محوری و

1. Place Identity

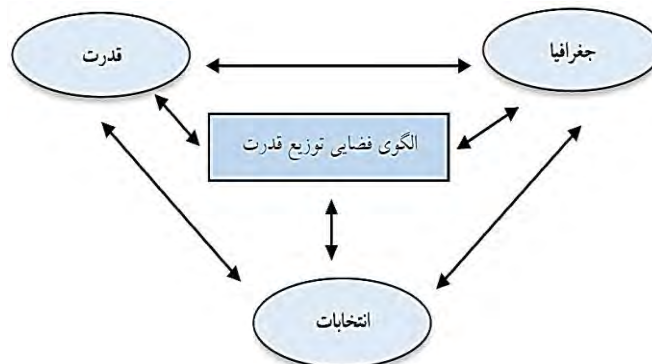
2. Neighborhood Effect

غیره در ارتباط است که عموماً ناظر بر مؤلفه‌های مؤثر در رأی‌گیری و رأی‌دهی جغرافیای انتخابات است (Kaviani Rad, 2013: 72). اثر همسایگی یکی از متغیرهای محیطی است که تمایل فرد به رأی دادن در یک جهت خاص بر اساس پیامدهای روابط فردی که در همسایگی زندگی می‌کنند را توضیح می‌دهد. این نوع الگوی رأی‌دهی، یکی از پرکاربردترین الگوهای رأی است که به بررسی تأثیر «دوستان و همسایگان» در الگوی آراء می‌انجامد و نشان می‌دهد تمایل مردم به رأی دادن به نامزدهای محلی بیشتر است (Kaviani Rad & Qare Beigi, 2017: 154).

فرایندهای متعددی در الگوی تأثیر همسایگی نقش دارند که از آن جمله می‌توان به گرایش‌ها زادگاهی و طایفه‌ای اشاره کرد. مبحث زادگاه‌گرایی و گرایش‌ها محلی و طایفه‌ای ناظر بر اثر گذاری عناصر مکانی و جغرافیایی در پسندها و مطلوب‌های مؤثر در رفتار رأی‌دهندگان ساکن محدوده‌های خاص «پایگاه حمایتی» زاد شهری است. بر بنیاد جستار تأثیر گرایش‌های طایفه‌ای، عمده افراد همانند هم عمل می‌کنند. به این مفهوم که حتی اگر شرایط اجتماعی - اقتصادی‌شان در پیوند با جای دیگری باشد، به هنگام رأی دادن، مشابه هم زادگاهی‌شان یا هم طایفه‌ای‌شان رأی می‌دهند (Kaviani Rad & Veysi, 2008: 3).

۲-۵- جغرافیای انتخابات

انتخابات یکی از رویکردهای مطرح در جغرافیای سیاسی است که تحت عنوان جغرافیای انتخابات شناخته می‌شود. جغرافیای انتخابات از مباحث نو علم جغرافیا در ایران است که با شناخت دقیق‌تر نواحی انتخاباتی و بررسی عوامل مؤثر در نتایج انتخابات از جمله عوامل مؤثر بر رفتار رأی‌دهندگان می‌پردازد. این عوامل در زمان‌ها و مکان‌های مختلف تأثیرات متفاوتی بر نتایج انتخابات باقی می‌گذارد. طی چند دهه اخیر جغرافیای انتخابات کندوکاو گسترده‌ای در قلمرو دموکراسی، مشارکت، خاستگاه آرا، وزن مکانی حوزه‌های انتخاباتی، نقش مکان‌ها و غیره داشته است. جغرافیا انتخابات یکی از شاخه‌های جغرافیای سیاسی است که بر محدوده جغرافیایی به‌عنوان بستری برای انتخاب نمایندگان در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی متمرکز شده است (Hafezniya & Kaviani Rad, 2014: 263). در واقع، جغرافیای انتخابات، و تحلیل کنش متقابل فضا، مکان و فرآیند انتخاباتی (Johnston & Pattie, 2006: 2) و مطالعه اثرگذاری تفاوت‌های فضایی در رفتار سیاسی می‌پردازد (Estes, 2006: 78) روی هم‌رفته می‌توان گفت؛ جغرافیایی انتخابات گرایشی از جغرافیای سیاسی است که با مطالعه الگوی توزیع فضای قدرت در قالب رابطه متقابل جغرافیا، انتخابات و قدرت می‌پردازد (Kaviani Rad, 2012: 36). مدل مفهومی جغرافیای انتخابات در مدل شماره ۲ نشان داده شده است.



مدل ۲. مدل مفهومی جغرافیای انتخابات

(Kaviani Rad, 2013: 40)

در این الگو، فضا نمود عینی فرایند دگرگونی‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی طی زمان در بستر مکان است که عناصر و مناسبات قدرت را آشکار می‌کند. قدرت به‌عنوان محرک و تغییردهنده با ابزار سرمایه، رسانه و ایدئولوژی، خالق این دگرگونی‌هاست. دارندگان و خواهندگان قدرت برای حفظ وضعیت موجود یا تغییر آن بر اساس علایق و مصالح واحدها (فرد، گروه، سازمان، کشور و غیره)، فرایندهای فضایی یا همان سازگار مؤثر در توزیع فضایی پدیده‌ها را معنا و جهت می‌دهند. انتخابات به‌عنوان سازوکار تغییر و تداوم نظام سیاسی ناظر بر کنش و واکنش واحدها برای اختیار گرفتن ابزارهای قدرت به شیوه دموکراتیک است که هدف آن ساماندهی فرآیندها و روندهای فضا‌ساز است. از آنجاکه درون‌مایه‌های فضا ذاتاً قدرت می‌آفرینند تلاش برای در اختیار گرفتن فضا در فرایند انتخابات، مقصود قدرت است که جغرافیای انتخابات به مطالعه آن می‌پردازد (Kaviani Rad, 2013: 40).

۳- پیشینه پژوهش

سجاسی قیداری و همکاران (۱۳۹۵) نیز در مقاله خود به تحلیل رابطه طایفه‌گرایی اجتماعات محلی با توسعه سیاسی در شرایط انتخاباتی (مطالعه موردی: شهرستان نورآباد ممسنی) پرداخته‌اند. تحقیق نشان داد که بین دو متغیر طایفه‌گرایی و توسعه سیاسی ارتباط معناداری وجود داشته است. در شهرستان ممسنی به دلیل حاکمیت بافت سستی و غلبه عناصر متأثر از این بافت بر عناصر مدرن و تلفیق آن با برخی موانع چالش برانگیز، فرآیند توسعه سیاسی با موانعی مواجه بوده است. نگرش‌های محلی و طایفه‌ای یکی از عوامل کلیدی بوده که در توسعه‌نیافتگی سیاسی شهرستان نورآباد ممسنی نقش داشته و به علت عبور ناقص شهرستان از مراحل توسعه سیاسی نظیر انتخابات، منجر به تثبیت نظام فکری طایفه‌گرایی شده است. میرزایی تبار و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله خود به تبیین رابطه طایفه‌گرایی و حقوق شهروندی (نمونه پژوهی: انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه ممسنی) پرداختند. سؤال اصلی پژوهش این است که چه رابطه‌ای میان فرهنگ طایفه‌گرایی و حقوق شهروندی در حوزه انتخابیه ممسنی وجود دارد؟ یافته‌های پژوهش ماهیتی توصیفی - تحلیلی دارد و

بر پایه منابع کتابخانه‌ای و مطالعات میدانی حاصل از توزیع پرسشنامه و تحلیل نتایج بر اساس آزمون T تک نمونه‌ای گردآوری شده است. نتایج پژوهش نشان داد که نگرش‌های محلی و عشیره‌ای و تسلط فرهنگ طایفه‌گرایی با آزادی و استقلال فردی، ورود به حریم فکری و شخصی، ناکارآمد ساختن نیروهای اجتماعی و تخصیص ناعادلانه منابع و امکانات در مناطق ممسنی منجر به نادیده گرفتن حقوق شهروندی در این حوزه انتخابیه می‌شود.

اکبری و فخاری (۱۳۹۷) نیز در مقاله خود به بررسی نقش قومیت در رفتار انتخاباتی اجتماعات چند قومیتی (مطالعه موردی: شهرستان بجنورد) پرداخته‌اند. بررسی مدل پژوهش با مدل‌سازی ساختاری نشان داد متغیرهای احساس نابرابری اجتماعی، مصرف رسانه‌ای، رضایت اجتماعی و احساس مشروعیت نظام سیاسی به همراه میزان تعاملات با سایر اقوام با تأثیر بر هویت قومی و در نهایت شکل‌گیری مطالبات قومی بر الگوی رأی‌دهی قومی تأثیر می‌گذارند.

مهکویی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیلی بر تأثیر جستار زادبوم شهری بر دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه فیروزآباد فارس به این نتیجه رسیده است در این حوزه انتخابیه که شامل دو شهرستان فراشبند و قیروکارزین و بخش میمند است با توجه به اینکه در دوره‌های اخیر (چهاردوره) از هر کدام از این شهرستان‌ها حداقل یک نماینده در انتخابات حضور داشته‌اند برای مردم این حوزه‌ها، در انتخاب نماینده، محل تولد فرد کاندیدا بسیار مهم بوده است لاجرم جستار زادبوم به شدت در تعیین نماینده اثرگذار بوده است.

کاوایانی راد و سلطانی (۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان تأثیر هویت مکانی بر توزیع فضایی رأی در حوزه انتخابیه میان‌دوآب، شاهین دژ و تکاب به این نتیجه رسیدند که توزیع فضایی رأی با دور شدن از شور انقلابی دهه نخست استقرار نظام جمهوری اسلامی تابعی از هویت مکانی، هم‌آوردی مکانی و شمار دارندگان حق رأی شهرستان‌های این حوزه انتخابیه است. بدین معنا که هویت مکانی در پراکنش فضایی آراء و زادگاهی نامزدهای انتخاباتی حوزه انتخابیه (میان‌دوآب، شاهین دژ و تکاب) مؤثر بوده است.

جانسون و پتی (۲۰۱۷) در مقاله خود به بررسی تأثیر منطقه‌ای، شبکه‌های اجتماعی و همسایگی در انتخاب رأی دهندگان پرداخته‌اند. این مطالعه بیشتر نظری است و مطالعه موردی ندارد. محققین در این مقاله نتیجه می‌گیرند که در بسیاری از نقاط جهان انتخابات متأثر از رفتار منطقه‌ای و فاکتورهای مؤثر از آن است. این چنین انتخاباتی نتایج مطلوبی نخواهد داشت. البته محققین در این مقاله اذعان می‌کنند ممکن است عملکرد حزب پیروز در این انتخابات به صورت مقطعی خوب باشد اما در مقیاس وسیع‌تر مکانی و زمانی عملکرد مطلوبی حاصل نخواهد شد.

فیشر و همکاران (۲۰۱۷) در مقاله خود به بررسی مهم‌ترین معیارهای مؤثر در نتایج انتخابات می‌پردازند. در این مطالعه محققین مناطق مختلفی از جهان را مورد مطالعه قرار داده‌اند. اگرچه نمی‌توان گفت در همه جای دنیا، اما حداقل در بیشتر مناطق دنیا و به‌ویژه آسیا و خاورمیانه، فاکتور همسایگی و طایفه‌گری یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر نتایج انتخابات معرفی می‌شود. نویسندگان معتقد هستند چنین رویکردی یک معضل در برابر دموکراسی و پیشرفت جوامع است. ین

رویکرد در مقابل شایسته‌سالاری قرار می‌گیرد. نکته شایان توجه در این نوشته این است که محققین بر این باور هستند که اگرچه تأثیر فاکتورهای مذکور ممکن است در کوتاه‌مدت در محل‌های خاصی به صورت موضعی اندکی باعث پیشرفت شود، اما در بلندمدت و در مقیاس بزرگ‌تر از موانع پیشرفت و توسعه است.

هانکینسون و ماگازین (۲۰۱۹) در مقاله خود به بررسی آرای تجمیع یافته در انتخابات الکترونال کالیفرنیا پرداخته‌اند. محققین در این مطالعه مشاهده کرده‌اند که به‌خصوص در بخش‌هایی از شهر که شرایط رفاهی کمتری دارد، آثار همسایگی در نتایج آراء مؤثر بوده است. محققین بر این عقیده‌اند که با افزایش سطح آگاهی و رفاه اجتماعی می‌توان کیفیت انتخابات و نتایج آن را به سمت شایسته‌سالاری ارتقاء داد.

با بررسی ادبیات و پیشینه پژوهش این مهم آشکار می‌شود که تاکنون راجع به حوزه انتخابیه مذکور پژوهش دقیق و علمی صورت نگرفته است و مقالاتی که راجع به دیگر حوزه‌های انتخابیه انجام شده است به‌درستی و با دقت تبیین و تحلیل جامع نشده‌اند و نتایج را در قالب نقشه و نمودار ترسیم نکرده‌اند. بنابراین نقطه قوت این مقاله را می‌توان بررسی حوزه انتخابیه‌ی یادشده و ترسیم نقشه و نمودار به همراه تحلیل جامع انتخابات آن حوزه عنوان کرد.

۴- روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر از نوع توصیفی و تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات نیز مبتنی بر روش اسنادی است. فضای جغرافیایی شهرستان‌های کهگیلویه، چرام، بهمئی و لنده قلمرو مکانی پژوهش پیش رو می‌باشد. به حیث زمانی این پژوهش مشتمل بر دور یازدهم انتخابات مجلس شورای اسلامی است. جامعه آماری در این پژوهش تعداد جمعیت شهرستان‌های کهگیلویه، چرام، بهمئی و لنده می‌باشد.

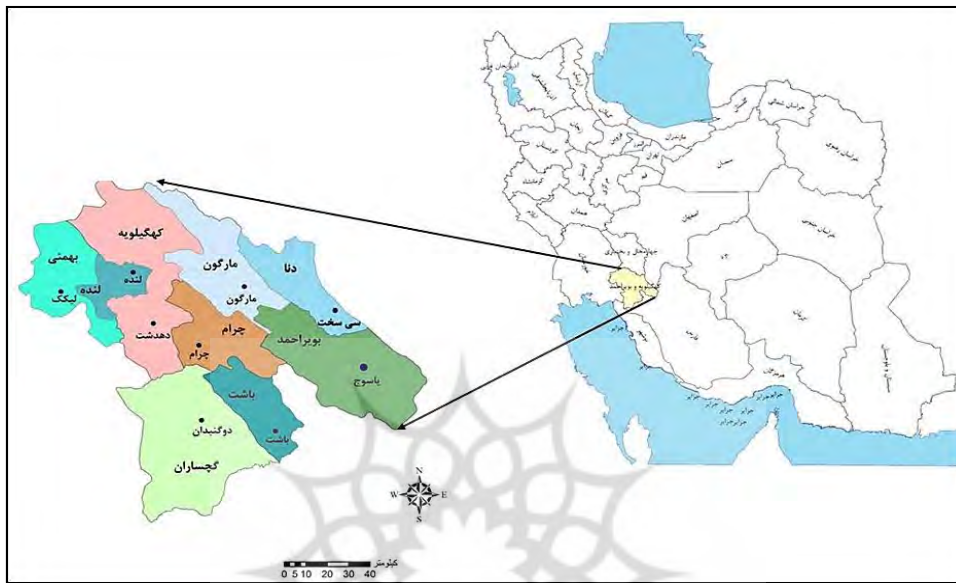
بر اساس جدیدترین نقشه تقسیمات کشوری سال ۱۳۹۸، استان کهگیلویه و بویر احمد دارای ۹ شهرستان، ۲۲ بخش، ۱۸ شهر، ۵۰ دهستان و ۲۲۳۸ روستا است که از این تعداد ۱۶۴۳ روستای آن دارای سکنه و ۵۹۵ روستا فاقد سکنه می‌باشد. شهرستان‌های استان عبارت‌اند از: بویر احمد، دنا، مارگون، کهگیلویه، گنچساران، باشت، چرام، لنده و بهمئی. استان کهگیلویه و بویر احمد از نظر جغرافیایی به دو ناحیه وسیع سردسیری (بویر احمد) و گرمسیری (کهگیلویه) تقسیم می‌شود. مشخصات عمومی شهرستان‌های استان بر اساس تقسیمات کشوری در طی سال‌های ۱۳۸۵، ۱۳۹۰، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۸ در جدول شماره ۱ آورده شده است. همچنین آخرین مشخصات موقعیت جغرافیایی و تقسیمات سیاسی استان کهگیلویه و بویر احمد در نقشه شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. مشخصات عمومی شهرستان‌های استان بر اساس تقسیمات کشوری

سال	تعداد شهرستان	تعداد بخش	تعداد شهر	تعداد دهستان
۱۳۸۵	۵	۱۶	۱۳	۴۱
۱۳۹۰	۷	۱۷	۱۶	۴۳

سال	تعداد شهرستان	تعداد بخش	تعداد شهر	تعداد دهستان
۱۳۹۵	۸	۱۹	۱۷	۴۵
۱۳۹۸	۹	۲۲	۱۸	۵۰

(2019, Provincial Government of Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad)



نقشه ۱. موقعیت جغرافیایی و تقسیمات سیاسی استان کهگیلویه و بویر احمد

۵- یافته‌های پژوهش

الگوی رأی همسایگی در انتخابات دور یازدهم حوزه انتخابیه کهگیلویه، بهمئی، چرام و لنده

در مجموع هفت نفر در این دوره ثبت‌نام کردند که اسامی آن‌ها عبارت‌اند از: سید محمد موحد، عدل‌هاشمی، فرزاد نجات‌نیا، پروین دانشور، سپهدار عبدپور، علی رضا سجادی و امیر همتی نژاد (جدول شماره ۲). در این بین، موحد و هاشمی دو نامزد سرشناس‌تر و شاخص‌تر به شمار می‌روند. از نکات مهم و قابل توجه این دوره از انتخابات، رقابت مجدد دو کاندیدای باسابقه دور قبل و به دنبال آن ایجاد فضای دوقطبی حاکم بر رقابت‌های انتخاباتی است. این دو نامزد در دور قبل نیز با همدیگر رقیب بودند که بنا به دلایل پیش‌گفته، هاشمی توانست بر موحد غلبه کند. اما در این دوره گویا موحد عزم خود را جزم کرده بود تا شکست دور قبل را جبران کند. در واقع این تصمیم جدی موحد به واقعیت پیوست و موحد با تحرکات و نقش‌آفرینی پرشورتری توانست با آرای بالاتری نسبت به دور قبل، رقیبش را شکست دهد. در این دوره موحد ۷۶۷۶۷ رأی و هاشمی ۴۷۳۴۶ رأی کسب کردند که طبق آمار، آراء موحد چیزی تقریباً دو برابر آراء هاشمی بوده است. موحد در همه حوزه‌ها و شهرستان‌ها از هاشمی بیشتر رأی آورد که در این بین، رأی این کاندیدا در فضای همسایگی خود، تقریباً دو برابر هاشمی یعنی به ترتیب ۴۲۸۲۳ رأی و ۲۶۴۵۲ رأی بوده است (جدول شماره ۳). سومین نامزد

انتخاباتی این دوره که در دور قبل نیز حضور داشت، فرزاد نجات‌نیا است. رأی این بازیگر در مقایسه با رأی دور قبل خود کاهش داشت و از مجموع ۱۱۰۶ رأی اخذ مأخوذه، ۸۱۸ رأی را در شهرستان کهگیلویه که زادگاه خود بوده کسب کرده است. وی در شهرستان چرام، لنده و بهمئی به ترتیب ۸۳، ۸۵ و ۱۲۰ رأی اخذ نموده است (جدول شماره ۳). چهارمین نامزد انتخاباتی، پروین دانشور است. از نکات قابل توجه این دوره، حضور بانوان در صحنه انتخابات است. دانشور از قشر زنان برخاسته بود که در جای خود قابل توجه است ولی نتوانست آراء زیادی را در حوزه انتخابیه، حتی در بین بانوان کسب کند. در مجموع این نامزد انتخابات ۹۰ رأی اخذ نمود که به نظر می‌رسد ۶۰ رأی آن در بین اقوام و آشنایان خویش بوده است. وی در شهرستان چرام، لنده و بهمئی به ترتیب ۱۰، ۱۵ و ۵ رأی اخذ نموده است (جدول شماره ۳). پنجمین نامزد انتخاباتی سپهدار عبدپور است. این کاندیدا ۳۹ رأی کسب کرد که ۲۸ رأی آن در زادگاه خود بوده است. وی در شهرستان چرام، لنده و بهمئی به ترتیب ۳، ۵ و ۳ رأی اخذ نموده است (جدول شماره ۳). ششمین نامزد، علی رضا سجادی است که از ۲۱ رأی کسب شده، به نظر می‌رسد ۱۶ رأی آن در بین دوستان و بستگان خود بوده است. وی در شهرستان چرام، لنده و بهمئی به ترتیب ۳، ۱ و ۱ رأی اخذ نموده است (جدول شماره ۳). امیر همتی نژاد رتبه آخر این دوره را به خود اختصاص داده است که هفت رأی از مجموع نه رأی خود را در زادگاهش شهرستان لنده کسب کرده است. وی در شهرستان چرام، کهگیلویه و بهمئی به ترتیب ۱، ۱ و ۰ رأی اخذ نمود. (جدول شماره ۳).

با این رهیافت، تجزیه و تحلیل توزیع فضایی آراء نامزدها در یازدهمین دوره حوزه انتخابیه کهگیلویه، بهمئی، چرام و لنده نشان می‌دهد؛ موحد از مجموع ۱۲۵۳۷۸ آراء، ۷۶۷۶۷ رأی معادل ۶۱ درصد را کسب کرده است. توزیع فضایی و مکانی آراء در نقشه زیر نشان می‌دهد که موحد، ۵۶ درصد از مجموع آراء خود را در زادگاه خود یعنی شهرستان کهگیلویه کسب کرده است. وی به ترتیب در شهرستان چرام، لنده و بهمئی ۱۲۲۴۱، ۸۰۱۰ و ۱۳۶۹۳ رأی اخذ نموده است (نقشه شماره ۲).

تجزیه و تحلیل فضایی آراء نامزدها در یازدهمین دوره حوزه انتخابیه کهگیلویه، بهمئی، چرام و لنده نشان می‌دهد؛ عدل‌هاشمی از مجموع ۱۲۵۳۷۸ آراء، ۴۷۳۴۶ رأی معادل ۳۸ درصد را کسب کرده است. توزیع فضایی و مکانی آراء در نقشه زیر نشان می‌دهد که هاشمی، ۵۶ درصد از مجموع آراء خود را در زادگاهش یعنی شهرستان کهگیلویه کسب کرده است. وی به ترتیب در شهرستان چرام، لنده و بهمئی ۹۳۷۷، ۳۴۱۴ و ۸۱۰۳ رأی اخذ نموده است (نقشه شماره ۳).

فرزاد نجات‌نیا از مجموع ۱۲۵۳۷۸ آراء، ۱۱۰۶ رأی، معادل کمتر از یک درصد را کسب کرده است. توزیع فضایی و مکانی آراء در نقشه زیر نشان می‌دهد که نجات‌نیا، ۷۴ درصد از مجموع آراء خود را در زادگاهش یعنی شهرستان کهگیلویه کسب کرده است. بر پایه آمار این بازیگر، بیشترین میزان رأی را در بین فضای همسایگی و محیطی خود کسب کرده است. وی به ترتیب در شهرستان چرام، لنده و بهمئی ۸۳، ۸۵ و ۱۲۰ رأی اخذ نموده است (نقشه شماره ۴).

پروین دانشور از مجموع ۱۲۵۳۷۸ آراء، ۹۰ رأی، معادل کمتر از یک درصد آراء را کسب کرده است. توزیع فضایی و مکانی آراء در نقشه زیر نشان می‌دهد که دانشور، ۶۷ درصد از مجموع آراء خود را در زادگاهش یعنی شهرستان کهگیلویه کسب کرده است. وی به ترتیب در شهرستان چرام، لنده و بهمئی ۱۰، ۱۵ و ۵ رأی اخذ نموده است (نقشه شماره ۵).

سپهدار عبدپور از مجموع ۱۲۵۳۷۸ آراء، ۳۹ رأی معادل کمتر از یک درصد را کسب کرده است. توزیع فضایی و مکانی آراء در نقشه زیر نشان می‌دهد که عبدپور، ۷۳ درصد از مجموع آراء خود را در زادگاهش یعنی شهرستان کهگیلویه کسب کرده است. وی به ترتیب در شهرستان چرام، لنده و بهمئی ۳، ۵ و ۳ رأی اخذ نموده است (نقشه شماره ۶).

علی رضا سجادی از مجموع ۱۲۵۳۷۸ آراء، ۲۱ رأی معادل کمتر از یک درصد آراء را کسب کرده است. توزیع فضایی و مکانی آراء در نقشه زیر نشان می‌دهد که سجادی، ۷۷ درصد از مجموع آراء خود را در زادگاهش یعنی شهرستان کهگیلویه (۱۶ رأی) کسب کرده است. وی به ترتیب در شهرستان‌های چرام، لنده و بهمئی ۳، ۱ و ۱ رأی را اخذ نموده است (نقشه شماره ۷).

امیر همتی نژاد از مجموع ۱۲۵۳۷۸ آراء، ۹ رأی معادل کمتر از یک درصد آراء را کسب کرده است. توزیع فضایی و مکانی آراء در نقشه زیر نشان می‌دهد که همتی نژاد، ۷۸ درصد از مجموع آراء خود را در زادگاهش یعنی شهرستان لنده کسب کرده است. وی به ترتیب در شهرستان کهگیلویه، چرام و بهمئی ۱، ۱ و ۰ رأی اخذ نموده است (نقشه شماره ۸).

روی هم‌رفته می‌توان گفت موحد در این دوره از انتخابات علاوه بر اینکه موفق شد ۵۶ درصد از مجموع آراء خود را در فضای جغرافیای زادگاهی و ایلی خود کسب کند و این مهم پایگاه اصلی رأی وی را تشکیل داده بود، همچنین با بهره بردن از سایر فاکتورها از جمله: ۱- سوابق قبلی نمایندگی که در حوزه انتخابیه یادشده داشت و از این جهت چهره نام آشنایی برای مردم بود ۲- قرابت‌های سببی که در بین قلمرو جغرافیای سایر طوایف داشت ۳- تبلیغات بیشتر و مؤثرتر در ایام انتخابات. در نهایت توانست از مجموع ۱۲۵۳۷۸ آراء مأخوذه، با اخذ ۷۶۷۶۷ رأی در رقابت با سایر بازیگران پیروز و وارد پارلمان گردد. میزان مشارکت در این دوره ۷۳ درصد بود، که نسبت به دور دهم ۵ درصد سیر نزولی داشته است (جدول شماره ۴). همچنین در نمودار شماره ۸ میزان مشارکت در انتخابات در دوره‌های نهم، دهم و یازدهم حوزه انتخابیه کهگیلویه، چرام، بهمئی و لنده نشان داده شده است.

جدول ۲. آراء نامزدها در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

ردیف	اسامی نامزدها	زادگاه و طایفه	حوزه انتخابیه	تحصیلات	شغل	آراء نامزدها
۱	سید محمد موحد	بویراحمد گرمسیری	حوزه انتخابیه کهگیلویه، بهمئی، چرام و لنده	حوزوی	نماینده مجلس	۷۶۷۶۷
۲	عدل‌هاشمی	دشمن‌زیاری	حوزه انتخابیه کهگیلویه، بهمئی، چرام و لنده	کارشناسی ارشد	نماینده ادوار مجلس	۴۷۳۴۶
۳	فرزاد نجات‌نیا	بویراحمد	حوزه انتخابیه کهگیلویه، بهمئی، چرام و لنده	کارشناسی	مشاور و دستیار	۱۱۰۶

ردیف	اسامی نامزدها	زادگاه و طایفه	حوزه انتخابیه	تحصیلات	شغل	آراء نامزدها
		گرمسیری		ارشد	ویژه وزیر ارتباطات	
۴	پروین دانشور	بویراحمد گرمسیری	حوزه انتخابیه کهگیلویه، بهمئی، چرام و لنده	کارشناسی ارشد	مدرس دانشگاه	۹۰
۵	سپهدار عبدپور	بویراحمد گرمسیری	حوزه انتخابیه کهگیلویه، بهمئی، چرام و لنده	کارشناسی ارشد	فرهنگی	۳۹
۶	علی‌رضا سجادی	بهمئی	حوزه انتخابیه کهگیلویه، بهمئی، چرام و لنده	کارشناسی ارشد	فرهنگی	۲۱
۷	امیر همتی نژاد	لنده	حوزه انتخابیه کهگیلویه، بهمئی، چرام و لنده	کارشناسی ارشد	فرهنگی	۹

(2019. Provincial Government of Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad)

جدول ۳. آراء نامزدها به تفکیک شهرستان‌ها در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

ردیف	اسامی نامزدها	شهرستان کهگیلویه	شهرستان چرام	شهرستان لنده	شهرستان بهمئی	جمع آراء نامزدها در حوزه انتخابیه
۱	سید محمد موحد	۴۲۸۲۳	۱۲۲۴۱	۸۰۱۰	۱۳۶۹۳	۷۶۷۶۷
۲	عدل‌هاشمی	۲۶۴۵۲	۹۳۷۷	۳۴۱۴	۸۱۰۳	۴۷۳۴۶
۳	فرزاد نجات‌نیا	۸۱۸	۸۳	۸۵	۱۲۰	۱۱۰۶
۴	پروین دانشور	۶۰	۱۰	۱۵	۵	۹۰
۵	سپهدار عبدپور	۲۸	۳	۵	۳	۳۹
۶	علی‌رضا سجادی	۱۶	۳	۱	۱	۲۱
۷	امیر همتی نژاد	۱	۱	۷	۰	۹

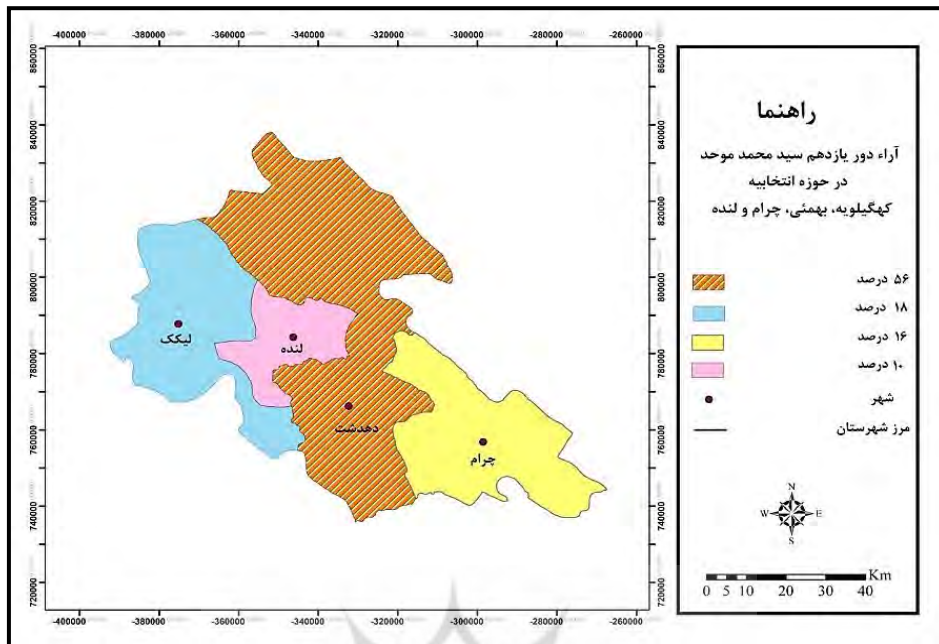
(2019. Provincial Government of Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad)

جدول ۴. میزان مشارکت در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی

دور یازدهم انتخابات مجلس شورای اسلامی			نام حوزه انتخابیه
میزان درصد	میزان مشارکت	جمعیت واجد شرایط	
۷۳	۱۲۵۲۷۸	۱۷۰۵۴۷	حوزه انتخابیه کهگیلویه، بهمئی، چرام و لنده

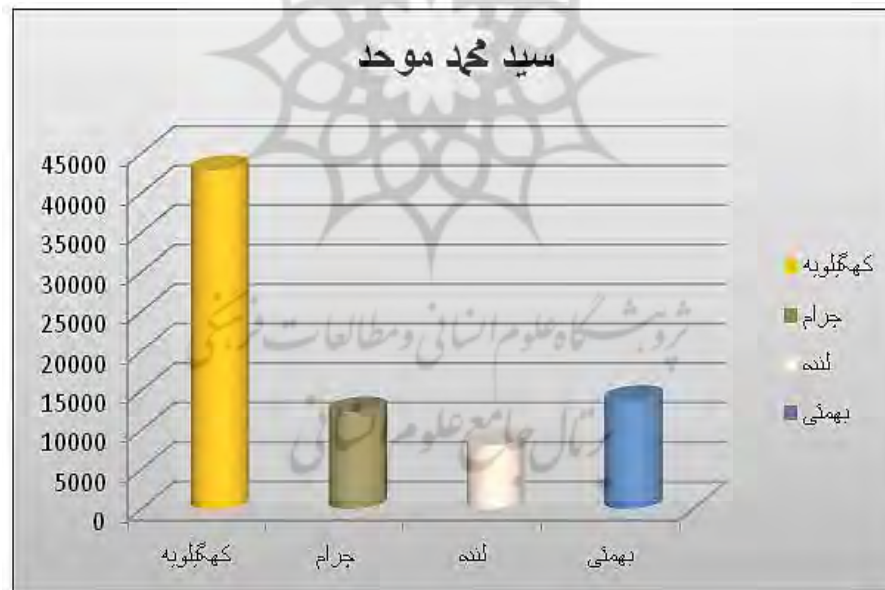
(2019. Provincial Government of Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad)

سید محمد موحد متناسب به ایل و طایفه بویراحمد گرمسیری است؛ خاستگاه زادگاهی و خویشاوندی این گروه قومی فضای جغرافیایی شهرستان کهگیلویه است.



نقشه ۲. تمرکز آراء همسایگی و زادگاهی سید محمد موحد در شهرستان کهگیلویه

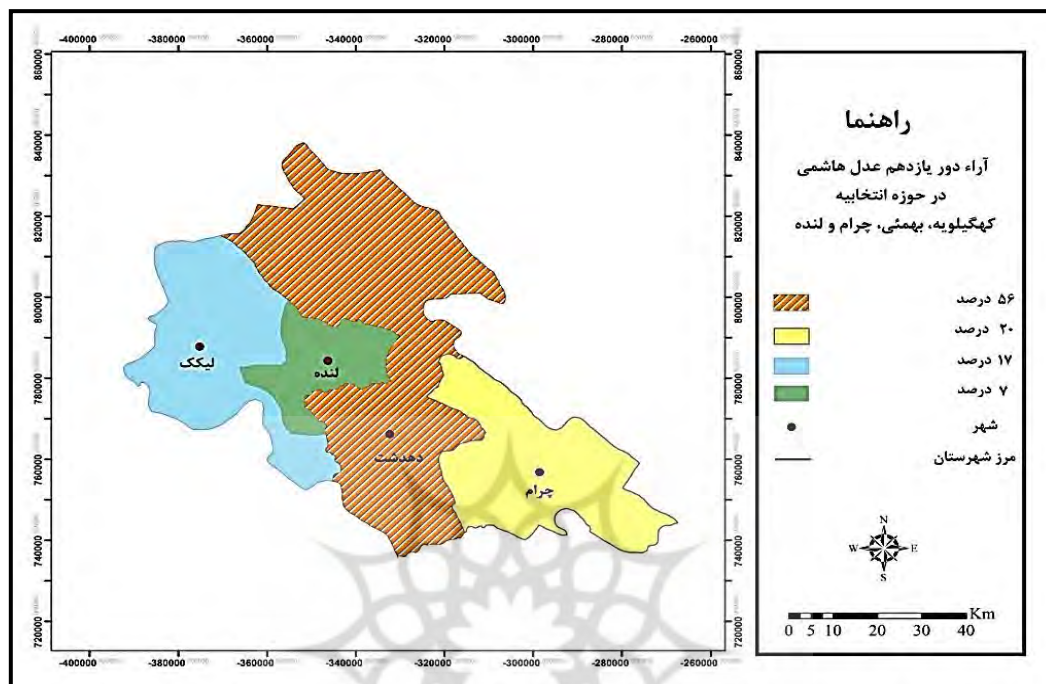
منبع: (Authors, 2021)



نمودار ۱. آراء سید محمد موحد به تفکیک شهرستان‌ها در حوزه انتخابیه کهگیلویه، جرام، لنده و بهمئی

منبع: (Authors, 2021)

عدل‌هاشمی مستسب به ایل و طایفه دشمن‌زیاری است؛ خاستگاه زادگاهی و خویشاوندی این گروه قومی فضای جغرافیایی شهرستان کهگیلویه است.



نقشه ۳. تمرکز آراء همسایگی و زادگاهی عدل‌هاشمی در شهرستان کهگیلویه

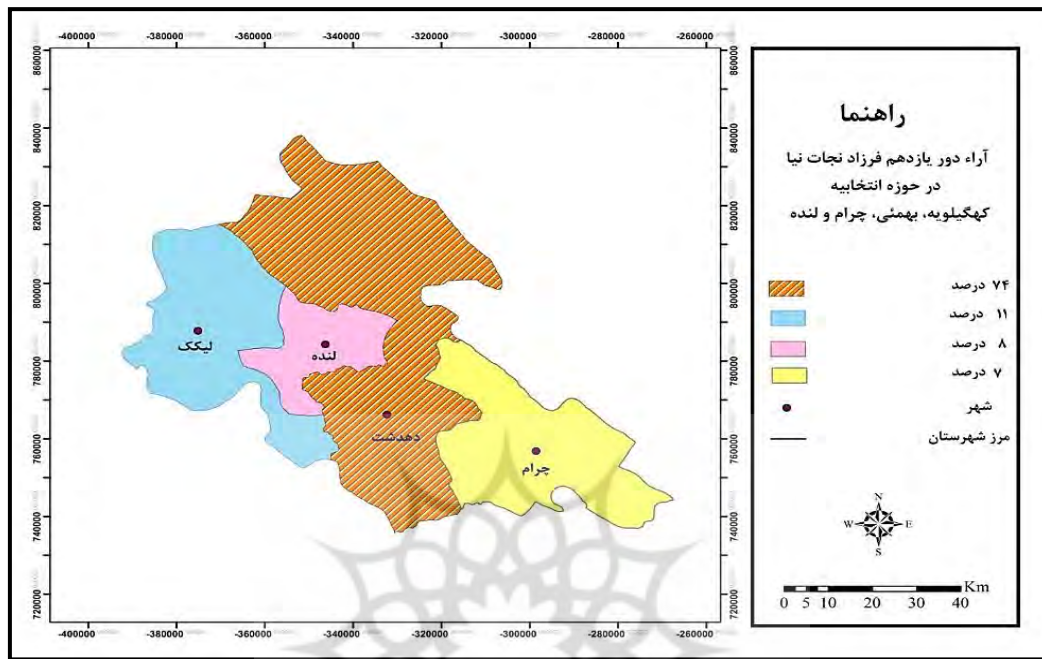
منبع: (Authors, 2021)



نمودار ۲. آراء عدل‌هاشمی به تفکیک شهرستان‌ها در حوزه انتخابیه کهگیلویه، جرام، لنده و بهمنی

منبع: (Authors, 2021)

فرزاد نجات‌نیا مستسب به ایل و طایفه بویراحمد گرمسیری است؛ خاستگاه زادگاهی و خویشاوندی این گروه قومی فضای جغرافیایی شهرستان کهگیلویه است.



نقشه ۴. تمرکز آراء همسایگی و زادگاهی فرزاد نجات‌نیا در شهرستان کهگیلویه

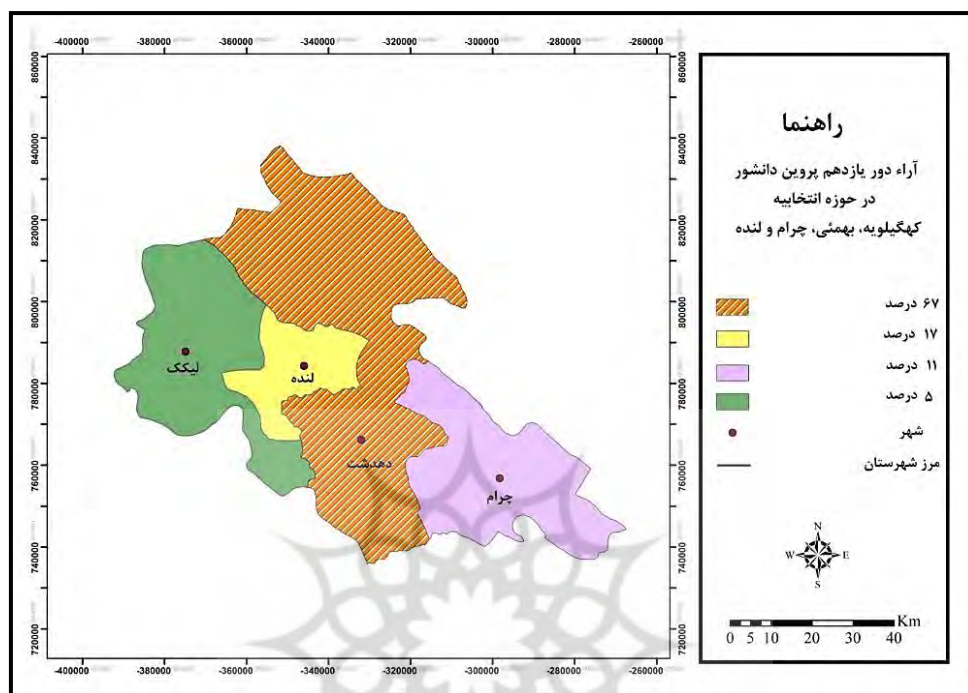
منبع: (Authors, 2021)



نمودار ۳. آراء فرزاد نجات‌نیا به تفکیک شهرستان‌ها در حوزه انتخابیه کهگیلویه، جرام، لنده و بهمی

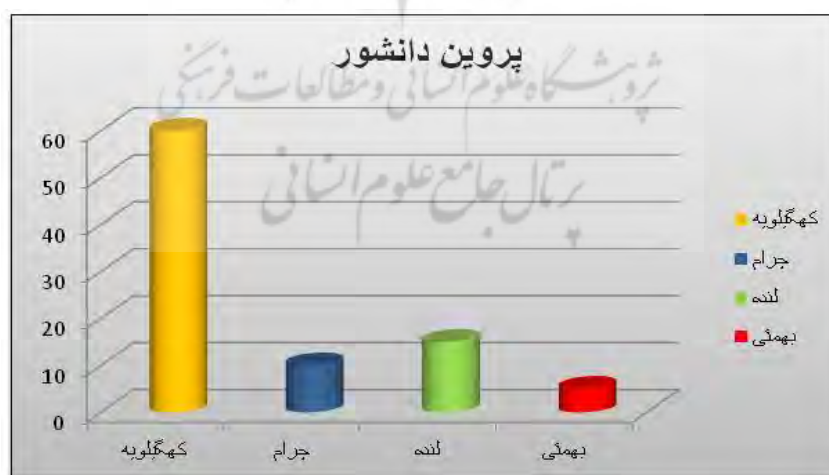
منبع: (ترسیم از نگارنده، ۱۴۰۰)

پروین دانشور متناسب به ایل و طایفه بویراحمد گرمسیری است؛ خاستگاه زادگاهی و خویشاوندی این گروه قومی فضای جغرافیایی شهرستان کهگیلویه است.



نقشه ۵. تمرکز آراء همسایگی و زادگاهی پروین دانشور در شهرستان کهگیلویه

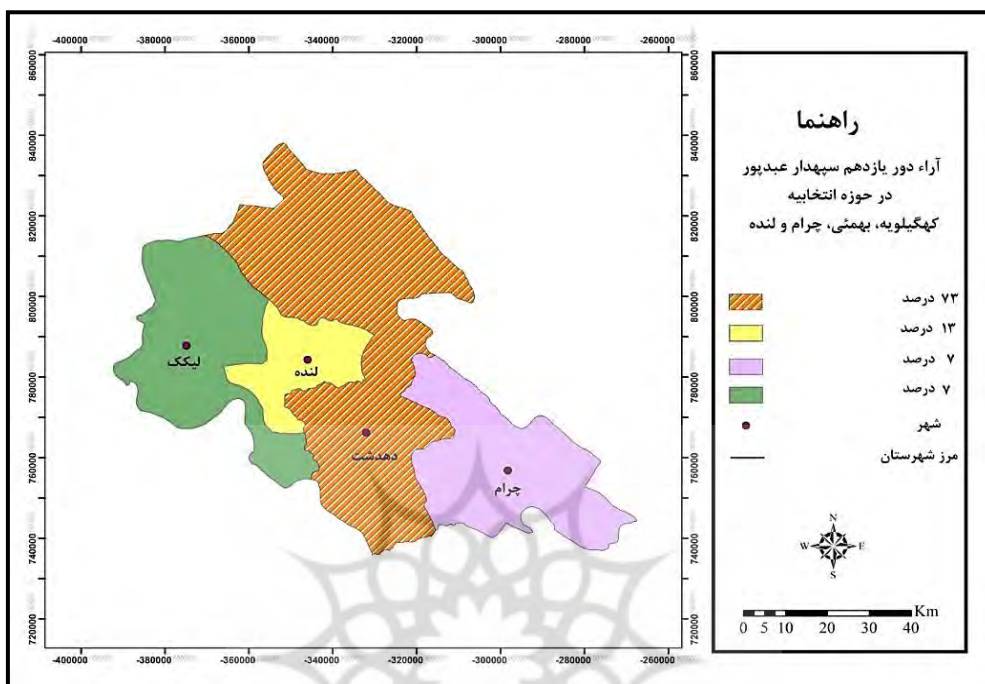
منبع: (Authors, 2021)



نمودار ۴. آراء پروین دانشور به تفکیک شهرستان‌ها در حوزه انتخابیه کهگیلویه، چرام، لنده و بهمئی

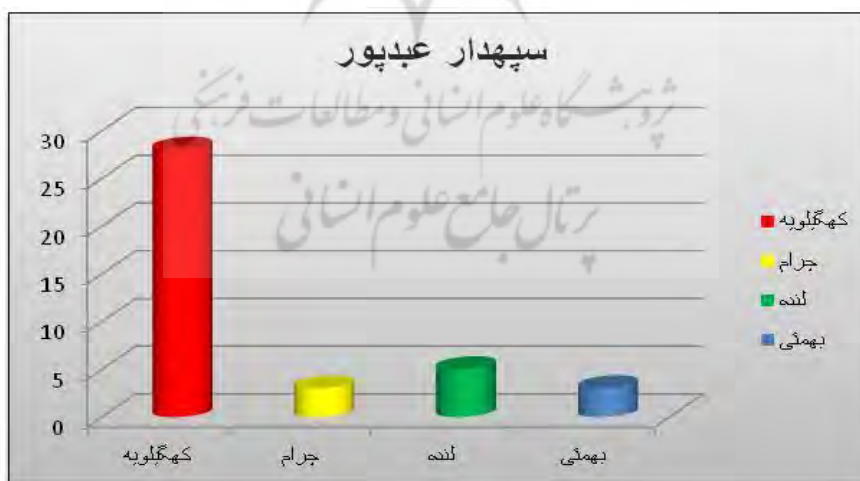
منبع: (Authors, 2021)

سپهدار عبدپور متسبب به ایل و طایفه بویراحمد گرمسیری است؛ خاستگاه زادگاهی و خویشاوندی این گروه قومی فضای جغرافیایی شهرستان کهگیلویه است.



نقشه ۶. تمرکز آراء همسایگی و زادگاهی سپهدار عبدپور در شهرستان کهگیلویه

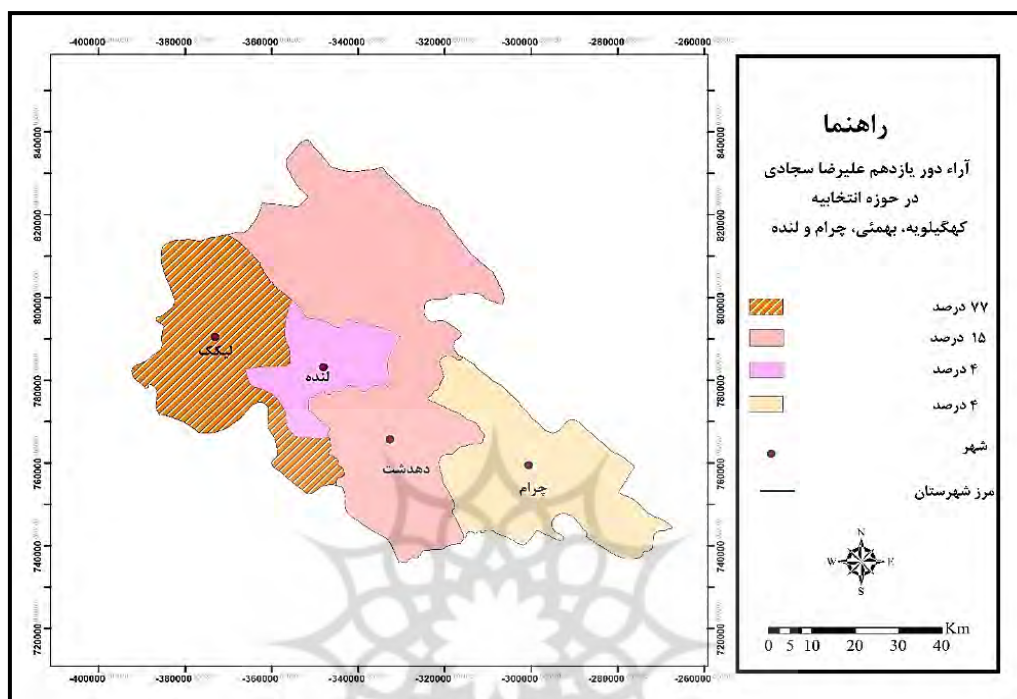
منبع: (Authors, 2021)



نمودار ۵. آراء سپهدار عبدپور به تفکیک شهرستان‌ها در حوزه انتخابیه کهگیلویه، جرام، لنده و بهمئی

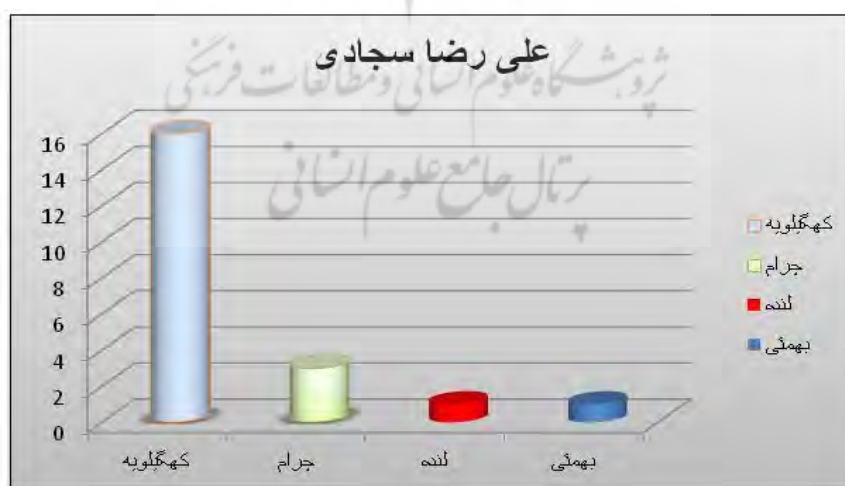
منبع: (Authors, 2021)

علی‌رضا سجادی متسبب به ایل و طایفه بهمئی است؛ خاستگاه زادگاهی و خویشاوندی این گروه قومی فضای جغرافیایی شهرستان بهمئی است.



نقشه ۷. تمرکز آراء همسایگی و زادگاهی علی‌رضا سجادی در شهرستان بهمئی

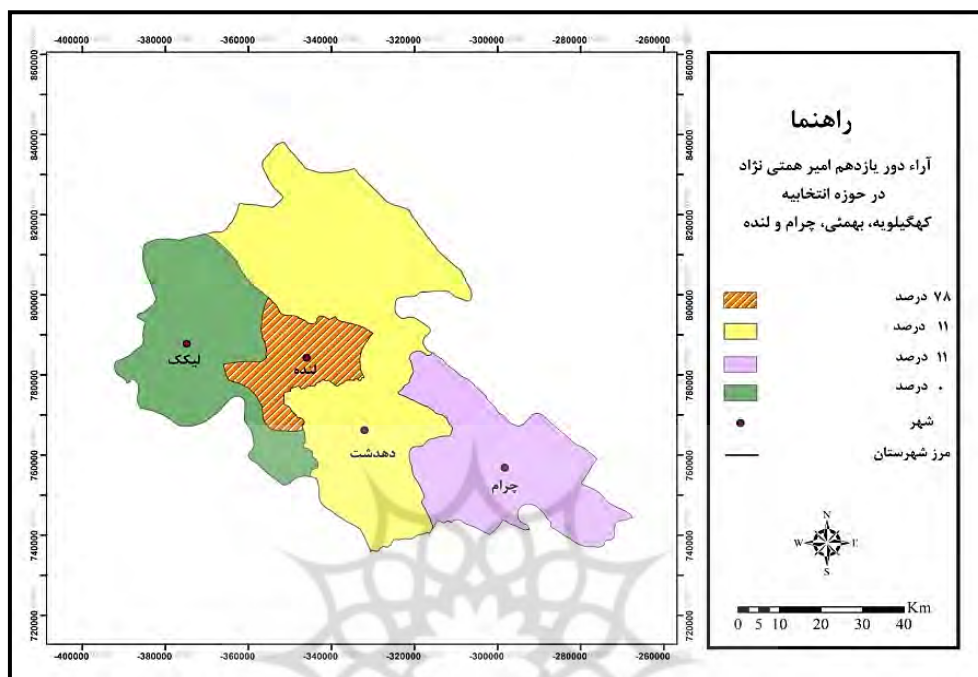
منبع: (Authors, 2021)



نمودار ۶. آراء علی‌رضا سجادی به تفکیک شهرستان‌ها در حوزه انتخابیه کَهگیلوویه، جَرام، لَندِه و بَه‌مَهِی

منبع: (Authors, 2021)

امیر همتی نژاد متناسب به ایل و طایفه لنده است؛ خاستگاه زادگاهی و خویشاوندی این گروه قومی فضای جغرافیایی شهرستان لنده است.



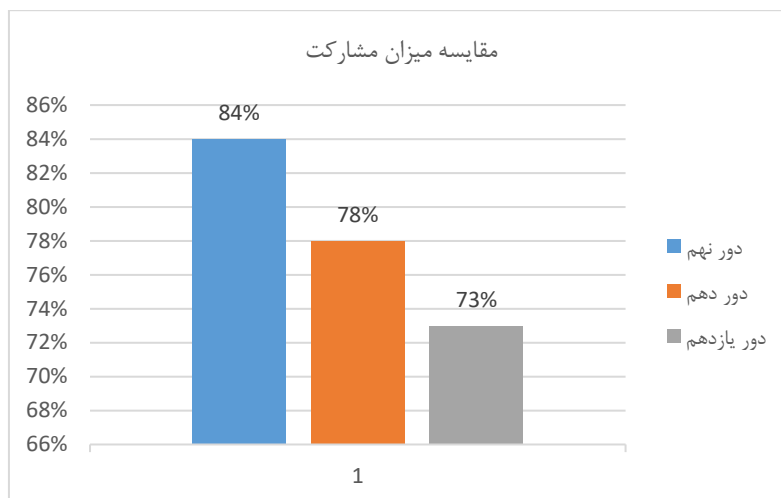
نقشه ۸. تمرکز آراء همسایگی و زادگاهی امیر همتی نژاد در شهرستان لنده

منبع: (2021, Authors)



نمودار ۷. آراء امیر همتی نژاد به تفکیک شهرستان‌ها در حوزه انتخابیه کهگیلویه، جرام، لنده و بهمنی

منبع: (2021, Authors)



نمودار ۸. مقایسه میزان مشارکت در ادوار نهم، دهم و یازدهم انتخابات مجلس شورای اسلامی در حوزه انتخابیه کهگیلویه،

چرام، بهمئی و لنده

منبع: (Authors, 2021)

۶- بحث و نتیجه‌گیری

یکی از موضوعات مهم در جغرافیای انتخابات، بحث شناسایی پایگاه رأی نامزدها، و مشخصاً الگوهای رأی‌دهی می‌باشد. بنا بر تعریف‌های رایج و نظر متخصصین امر، شش نوع الگوی رأی وجود دارد که عبارت‌اند از: ۱- الگوی رأی ایدئولوژیک ۲- الگوی رأی چهره سیاسی مناطق ۳- الگوی رأی سلسله‌مراتب نیازها ۴- الگوی رأی کارکردگرایی ۵- الگوی رأی همسایگی ۶- الگوی رأی اقتصاد سیاسی. بر بنیاد الگوهای ذکر شده رأی دهندگان با توجه به نیازها، باورها و سبک زندگی که دارند در قالب الگوهای ذکر شده به نامزدهای متفاوتی رأی می‌دهند، یکی از انواع این الگوها، الگوی رأی همسایگی می‌باشد بر اساس این الگو ساکنان یک محدوده سکونت گاهی عموماً همانند یکدیگر بر اساس ویژگی‌ها و شناسه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی‌شان به فرد و یا جریانی که با آن احساس همانندی و هم‌ذات‌پنداری دارند رأی می‌دهند. این الگوی رأی عمدتاً در استان‌های زاگرس نشین همانند استان کهگیلویه و بویر احمد که حوزه انتخابیه کهگیلویه، چرام، بهمئی و لنده نیز یکی از حوزه‌های انتخابیه این استان به شمار می‌رود نمود آشکارتری دارد. ساختار حوزه انتخابیه کهگیلویه، چرام، بهمئی و لنده بر پایه یک نظام سستی و ایلی بنا نهاده شده است و به واسطه این نظام، مردم روابط سستی را بر روابط مدرن ترجیح می‌دهند. الگوهای این نوع رفتارها و مناسبات نسل به نسل انتقال یافته و کم‌وبیش در نگرش و رفتار اکثر مردم حوزه انتخابیه به‌عنوان یک هنجار شناخته شده و ظهور و بروز پیدا کرده است. یکی از این هنجارها تعصب طایفه‌ای و خویشاوندی است که در ایام انتخابات به‌وضوح نمایان می‌شود و به واسطه آن معمولاً هر فردی در هر طایفه‌ای برای آن‌که بخواهد وزن و اقتدار طایفه خود را به دیگر طوایف نشان دهد به کاندیدای متسبب به طایفه خود توجه می‌کند و اگر هم مخالفتی داشته باشد به دلیل ترس از طرد و تمسخر توسط سایر خویشاوندان نمی‌تواند

آن را ابراز کند و بدین‌سان فرد ترغیب به رأی همسایگی و طایفه‌ای می‌شود. این الگوی رأی در حوزه انتخاباتی یادشده در اکثر مواقع جهت دهنده رفتار سیاسی شهروندان بوده و مانع جدی برای تصمیم‌گیری درست‌شده است. به‌طوری‌که نفع طایفه بر مصلحت منطقه برتری دارد. حتی در برخی مواقع این نوع نگاه به خشونت انجامیده و باعث خارج شدن نیروهای توانمند و خلاق از چرخه مدیریت حوزه انتخاباتی مذکور و مانع جدی برای شایسته‌سالاری شده است به‌نحوی‌که افراد با هر وزن سیاسی و دارای هر توانمندی که باشند تا از سبب رأی همسایگی برخوردار نباشند عملاً امکان موفقیت آن‌ها در انتخابات وجود ندارد. به‌طورکلی بر اساس یافته‌های تحقیق، با بررسی و مطالعه آراء نامزدهای انتخاباتی، بر مبنای مستندات آمار و ارقام انتخاباتی و تحلیل و مشاهده دقیق و موشکافانه حوزه انتخاباتی کهگیلویه، چرام، بهمئی و لنده طی دور یازدهم؛ این مهم آشکار می‌شود که کاندیدا بیشترین میزان حمایت را در قلمرو همسایگی و طایفه‌ای خود داشته‌اند و در بین الگوهای رأی‌دهی، الگوی رأی همسایگی و طایفه‌ای، قوی‌ترین تأثیر را در سبب رأی نامزدهای انتخاباتی داشته است. از طرفی با بررسی میزان و شدت همسایگی در بین طوایف و اقوام ساکن در شهرستان‌های حوزه انتخاباتی مذکور مشخص شد که تأثیر همسایگی در برخی شهرستان‌ها و حوزه‌ها (کهگیلویه و بهمئی) بیشتر و در برخی مکان‌ها و فضاها (لنده و چرام) کمتر است. چنین تفاوت‌هایی به‌واسطه معیار میزان جمعیت شهرستان‌های مذکور خلق شده است. بنابراین می‌توان گفت بین دو متغیر همسایگی و طایفه‌گرایی و انتخابات در حوزه انتخاباتی کهگیلویه، چرام، بهمئی و لنده طی دور یازدهم رابطه مستقیمی وجود دارد. لذا فرضیه پژوهش بر مبنای یافته‌های کیفی و کتابخانه‌ای مورد تأیید قرار می‌گیرد.

کتابنامه

1. Badii Azandahi, M., Panahande Khah, M., & Mokhtari, M., (2008). The role of sense of place in local identity, case study: Yasoji students of Tehran universities. *Geopolitics*, 4(2), 157-175. [In Persian]
2. Estes, T., (2006). Where the votes are: The electoral geography of the coming democratic majority. *In The Forum*, 3(4), 1-18. Retrieved from [http:// www. beperss. com](http://www.beperss.com).
3. Governorship Gachsaran Archive. (2019). Minutes of the Report on the Results of the 11th Term of the Islamic Consultative Assembly elections in Gachsaran and Basht Constituencies. [In Persian]
4. Hafeznia, M.R., & Kaviani Rad, M., (2014). *Philosophy of political geography*. Iran, Tehran: Research Institute of Strategic Studies. [In Persian]
5. Javanforuzandeh, A., & Motalebi, Q., (2011). The concept of a sense of belonging to a place and its constituent factors. *City identity*, 5(8), 27-37. [In Persian]
6. Johnston, R., & Pattie, Charles (2006); *Electoral Geography*; (ms. No.770). P:2).
7. Kaviani Rad, M & Visi, H. (2008). The effect of the neighborhood on Iran's elections, a case study of the ninth presidential election in Iran. *Geopolitics Quarterly*, 4(3), 1-20. [In Persian]
8. Kaviani Rad, M. & Qare Beigi, M. (2016). *Election geography, Foundations, Concepts, and Approaches*. Tehran: Strategic Studies Research Center Publications
9. Kaviani Rad, M. (2012). *Regionalism in Iran from the perspective of political geography*. Tehran: Strategic Studies Research Institute.
10. Kaviani Rad, M. (2013). *Election geography with an emphasis on presidential elections*. Tehran: Kharazmi Publications.

11. Mirsardo, T., Kawousi, I., & Ebrahimzadeh, R., (2008). Investigating socio-cultural factors affecting youth identity crisis. *Journal of Sociological Research*, 2(1), 77- 100. [In Persian]
12. Norman H., & Verba, S., (1972). *Participation in American; Equality and Political Democracy*. New York: Harper and Row.
13. Sadeghi-Fereshteh, R., Daneshgar Moghadam, G., & Dezhdar, O., (2012). Investigating the relationship between physical design in residential complexes and sense of attachment to place among residents (case study: Imam Khomeini and Imam Reza residential complexes in Hamedan). *Urban Management*, 10(30), 253-264. [In Persian]
14. Sarmast, B., & Motevasli, M.M., (2010). Investigating and analyzing the role of the scale of place in the sense of belonging to a place (case study: Tehran). *Urban Management*, 8(26), 133-146. [In Persian]
15. Sojasi Ghidari, H., Purtaheri, M., Sadeghi, V., & Hosseini, S.M.H., (2016). The Analysis of the Relationship between Tribalism in Local Societies and the Political Development in Local Elections (Case Study: Nurabad Mamasani). *Journal of Geography and Regional Development*, 14(1), 19-46.
16. Taylor, P., (1989). *Political Geography and the theoretical study of the East European*. New York & London: Longman.
17. Verba, S., & Nie, N.H., (1972). *Participation in America: Social equality and political democracy*. New York: Harper and Row.

